کتاب

«امام رضا(ع) و زندگی» از مرز یک میلیون نسخه گذشت

هشتمین چاپ از کتاب «امام رضا(ع) و زندگی» در آستانه شهادت امام هشتم از سوی به‌نشر روانه بازار کتاب شد. به گزارش تسنیم، به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) برای هشتمین‌بار کتاب «امام رضا(ع) و زندگی» را همزمان با دهه آخر ماه صفر و ایام شهادت امام هشتم(ع) منتشر و روانه بازار کرده است. این اثر که به قلم مهدی غلامعلی نوشته شده است، دربردارنده گزارش‌ها و داستان‌هایی کوتاه از شیوه زندگی امام رضا(ع) است. این کتاب در ۸ بخش با نام‌های «امام(ع)، خانواده و خویشان»، «امام(ع) و مردم»، «امام(ع) و حاکمان»، «امام(ع)، خوراک و بهداشت»، «امام(ع)، علم و حکمت»، «امام(ع) و معصومان»، «امام(ع) و عبادت» و «امام(ع)، دعا و ذکر» به سبک زندگی امام رضا(ع) می‌پردازد. به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) چاپ هشتم این کتاب را در قطع رقعی منتشر کرده و با قیمت ۸۵ هزار ریال در دسترس عموم مخاطبان قرار داده است.

مستند

کربلا، جغرافیای یک تاریخ میهمان «به اضافه مستند»

دوازدهمین قسمت از فصل دوم برنامه «به‌اضافه مستند»، با پخش و بررسی مستند «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت. به گزارش روابط عمومی برنامه به اضافه مستند، در این قسمت از برنامه «به اضافه مستند» و پس از پخش مستند «کربلا، جغرافیای یک تاریخ»، حجت‌الاسلام حامد کاشانی، پژوهشگر در حوزه مسائل تاریخی و مذهبی، میهمان برنامه خواهد بود و با موضوع شیوه درست روایت تاریخ از واقعه عاشورا سخن خواهند گفت. همچنین، محمدتقی فهیم و آرش خوشخو به نقد و بررسی فرمی این اثر مستند خواهند پرداخت. مستند «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» روایتی متفاوت و غیرکلیشه‌ای از واقعه عاشورا و قیام امام حسین(ع) است. این مستند همچنین، تاثیر قیام امام حسین(ع) را بر فرهنگ و سبک زندگی شیعیان از گذشته تا امروز نشان می‌دهد. روایتگر این مستند، سید شهاب‌الدین حسینی است و مجید انتظامی موسیقی متن آن را ساخته است. این مستند به کارگردانی داریوش یاری، تهیه‌کنندگی بهروز مفید و به سفارش حوزه هنری ساخته شده است. برنامه «به اضافه مستند» با اجرای علی صدری‌نیا، تهیه‌کنندگی سیدمحمدحسین میری و کارگردانی محمدرضا رضاییان سه‌شنبه ۲۳ آبان‌ماه ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه مستند سیما پخش خواهد شد. بازپخش آن روزهای چهارشنبه ۲۴ آبان‌ماه ساعت ۹ و جمعه ۲۶ آبان‌ماه ساعت ۱۳:۳۰ است.

هالیوود

رسوایی جنسی به خالق سریال‌های ابرقهرمانی آمریکا رسید

خالق سریال‌های ابرقهرمانی و پرطرفدار شبکه CW هم در موج اتهامات آزار جنسی این روزهای هالیوود قرار گرفت. به گزارش تسنیم، خالق و تهیه‌کننده سریال‌های «کماندار»، «فلش»، «سوپر گرل» و «افسانه‌های فردا» به دلیل اتهامات رسوایی جنسی از کار برکنار شد. بخش تلویزیونی برادران وارنر با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد از این رسوایی اخلاقی بتازگی آگاه شده‌اند و سریعا هم تصمیم بر کنار گذاشتن اندرو کرایسبرگ از فعالیت‌های حرفه‌ای‌اش در این کمپانی گرفته‌اند. اندرو کرایسبرگ که در فعالیت حرفه‌ای‌اش کار روی سریال معروف «فرینج» و نویسندگی سریال انیمیشنی «سیمپسون‌ها» را دارد از سال ۲۰۱۲ همکار گرگ برلانتی تهیه‌کننده همجنس‌باز آمریکایی در خلق و تهیه سریال «کماندار» و پس از آن «فلش»، «سوپر گرل» و «افسانه‌های فردا» بوده است. کسانی که شرایط را می‌دانند اطلاع داده‌اند رفتار کرایسبرگ در پشت صحنه سریال «فلش» بسیار زننده بوده به طوری که حداقل یک کارگردان و یک نویسنده زن از او به خاطر رفتار زننده و غیرحرفه‌ای‌اش شکایت کرده‌اند و حتی یکی از آنها تصمیم گرفته قراردادش با مجموعه را نادیده بگیرد و دیگر سر کار نیاید. نکته جالب توجه اینکه برلانتی و شرکتش که به صورت مشترک تهیه‌کننده این سریال‌های ابرقهرمانی هستند هم در واکنش به این اتفاق طرف کمپانی وارنر را گرفته‌اند و قول هر گونه همکاری را داده‌اند. شاید از ترس اینکه سرنوشت سریال‌شان مثل «خانه پوشالی» به تعطیلی منجر شود.

یادداشتی درباره سریال تلویزیونی «نوار زرد»

به دور از شعار!

مسعود کارگر: چند سالی می‌شود ناجی هنر در راستای سیاست‌های مناسبتی رسانه ملی و با همکاری این سازمان، به مناسبت هفته نیروی انتظامی سریال می‌سازد و در این سال‌ها بیشتر سعی شده جنبه حرفه‌ای بودن این نیرو در تجهیزات و عملیات‌های سخت و دشوار در قالب تصاویر اکشن رخ‌نمایی کند اما ۲ سالی هست- و بویژه امسال!- قضیه متفاوت شده، از «گشت ویژه» تا همین «نوار زرد»، تلاش شده عمق استراتژیک ماهیت این نیرو دیده شود و تخصص‌هایش فقط در ژست‌های نوپو، ماشین‌های زمخت ضدشورش و عملیات‌های جیمز باندی محدود نشود. تلاش شده اگر اسمی از امنیت و آرامش انتظامی به میان می‌آید، فقط قوه قهریه و خشن آن در ذهن‌ها تداعی نشود و جلوه‌های دیگر آن همچون حوزه‌های تخصصی کشف جرم، رسته‌های کارآگاهی، بازپرسی و پژوهش جرائم نمود بیشتری داشته باشد. «نوار زرد» که محصول «موسسه وصف صبا» بوده و به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی و کارگردانی پوریا آذربایجانی و بازی جذاب امیر آقایی تولید شده است، بخوبی توانست این مهم را تا حدودی نمایان کند. هر قسمت این سریال شامل چند موضوع جدید، متنوع و کلیشه نشده، همراه با یک داستان ثابت از شخصیت اصلی آن است! پوریا آذربایجانی که مثل خیلی از کارگردانان جوان و آینده‌دار خود را مدیون رسول ملاقلی‌پور می‌داند، عمدتا در فیلمنامه‌نویسی شناخته شده است اما «فیلم اروند» نخستین کار سینمایی و قابل‌تحسین او بود و این سریال هم نخستین تجربه او در مدیوم تلویزیون است که توانسته بخوبی آن را از آب درآورد، روند قصه ملو است ولی کسل‌کننده نیست، دکوپاژ و کلوزآپ‌ها دلنشین است و فریم‌های عاطفی آن درگیرکننده. در تمام فیلم حس کنجکاوی مخاطب برای پیدا کردن گره داستان فعال است، تیتراژ ابتدایی آن با موسیقی لایت و مناسب و تلفیق سیاهی و سفیدی خیر و شر با الهام از تلألؤ نور بین میله‌های زندان و ریتم موسیقی همراه آن نیز جالب توجه است. البته نباید توقع شگفتی از این سریال داشت، و نه هیچ اثر اینچنینی دیگر! چون هرگاه خواسته‌اند اهمیت و مظلومیت این نیرو را نشان دهند به شعارزدگی ختم شده و هر زمان خواسته‌اند در قالب طنز یا جدی از چالش‌ها، بحران‌ها و معایب این نیرو بگویند، شاید طبق هزاران مصلحت‌سنجی درست و غلط نتوانسته‌اند قدمی بردارند، نقدی بکنند، مطالبه و پرسشگر باشند، هرچند شاید خود این نیرو، فرماندهان و اکثر پرسنلش از نقد در رسانه استقبال می‌کنند و نمونه مثال‌زدنی آن را کارهای مدیری در قالب طنز بدانند که هر نهاد و مجموعه‌ای از لحن طنازانه آن برنتابیدند و تا مرز شکایت رفتند ولی نیروی انتظامی نشان داده سطح تحملش بالاتر از این حرف‌ها بوده است. نقطه تمایز نوار زرد با دیگر آثار در این است که در این کلیشه‌ها قرار نگرفته و توانسته هم روایتی قابل قبول ارائه کند و هم آنجا که نیاز به نقادی بوده، موضع انتقادی خود را داشته باشد. نکته قابل توجه درباره نقادی در خصوص نهادهای مختلف بویژه انتظامی و امنیتی آن است که هر چند نباید نقاطی را که دشمن روی آن دست گذاشته و مانور می‌دهد همصدا شد ولی اینطور هم نباشد که به این توجیه و بهانه، نقد و مطالبه‌گری مغفول بماند و مورد غفلت قرار بگیرد، نواقص و اشکالات پیاپی غیرقابل اغماضی که بعضا خود نیرو ممکن است آن را محل سوال بداند بی‌جواب بماند و دست آخر فراموش شود. در هر حال به نظر می‌رسد خروجی رسانه‌ای پلیس دارد به سمت و سوی مساعدتری می‌رود، هرچند همه ابعاد و قسمت‌ها باید پالایش شود و بهبود یابد تا اثرگذاری آن در رسانه و میدان عمل بیشتر دیده و فهمیده شود. بین این همه اثر در این چندساله به نظر این سریال، هم کاری پلیسی-معمایی به حساب می‌آید، هم درامی عاطفی و خبری از صحنه‌های همیشگی اکشن هالیوودی-بالیوودی که بعضا افتضاح هم از آب درمی‌آید نیست. ظاهر شخصیت اصلی سریال با تمام آن چیزی که مدت‌ها در اذهان مردم بوده متفاوت است، پلیسی کاملا متخصص، علم‌گرا، منطقی و در عین حال در بزنگاه‌ها احساسی، شیک‌پوش است با موهایی تقریبا فشن و پوششی مد روز، از بیسیم‌بازی‌های معمول تو ذوق زننده و هدست‌های فنردار دور گوش لوس شده خبری نیست، در عین هوشمندی و مهارت، کارآگاه ما اشتباه و خطا هم می‌کند تا حدی که به قیمت جان افرادی تمام می‌شود و یک مهم به خطر می‌افتد. برای خطاهایش حتی بازخواست و به بازرسی (۱۹۷) معرفی می‌شود. او احساساتی می‌شود، زندگی‌اش را درگیر کارش می‌کند، دچار بحران می‌شود، با همکارانش در عین رعایت سلسله مراتب نظامی راحت است، محیط کارش نه ظاهر خشک نظامی دارد و نه مانند هشدار برای کبری ۱۱ فانتزی است، بر جنبه‌های معمایی و جنایی پرونده‌ها تاکید شده اما مثل «مزد ترس» در دهه ۶۰ یا «کارآگاه علوی» و «کلانتر» و این قسم مجموعه‌ها اغراق نشده است. یک نکته قابل توجه در این سریال شخصیت‌پردازی خوب کارگردان است که می‌توان آن را ناظر بر قدرت پوریا آذربایجانی در فیلمنامه‌نویسی دانست. در همان چند قسمت نخست بدون آنکه کارگردان برای ایجاد گره‌های مهیج هول باشد به معرفی شخصیت‌ها برای مخاطب می‌پردازد و این به مخاطب برای دنبال کردن راحت‌تر داستان کمک می‌کند؛ برخلاف بسیاری از سریال‌ها که عدم شخصیت‌پردازی باعث گنگ بودن مخاطب در روند دنبال کردن داستان می‌شود. انتظار آن نیست که مانند سیاست‌های بالیوود و واقعیت‌های غیرقابل انکار هند، سیاهی مطلق پلیس و تقابل شعارگونه با آن روایت شود یا مثل هالیوود، پلیس در همه شرایط مظهر و حق به جانب جلوه داده شود، توقع این است که هم از قداست لباس و این خدمت گفته شود، هم از قبح‌شکنی‌ها و ناهنجاری‌ها، تا اینکه در اذهان مردم جایی برای حفظ حرمت داشته باشد و نیز در کسوت ضابط قانون بشود با خود قانون و اخلاق به میدان نقدش کشاند. باید از مشکلات شخصی و خانوادگی پلیس، از ساختارهای بعضا غلط رایج در عملکرد آن، از خشونت‌های گاه‌به‌گاه نابجا و از رأفت مقطعی نادرست حرف زد و نباید از این گفتن‌ها ترسید، نباید مجبور به لفافه‌گویی و زبان گزیدن شد، نباید نگران این بود که اگر اعتراضی یا نقدی صورت گرفت حتما پایه‌های تمام مقدسات و اصل نظام به خطر می‌افتد که این نوع نگاه، این مماشات و این توجیهات اتفاقا ریشه همه حریم‌ها و حقایق را خواهد زد و البته سریالی مثل نوار زرد محمل خوبی برای این نوع مسائل است. جریان سریال‌سازی و محتواهای مناسبتی در این چارچوب، مفهوم پیدا خواهد کرد که هدف بیان همه‌چیزنهاد و سازمان‌هاست، تا هم انصاف و عدل رعایت شود و هم مردم به جای دوری از حدود تعریف شده غلط، بشدت مشتاق نزدیکی و همزادپنداری باشند. به هرحال تا رسیدن به جایگاه واقعی نقدپذیری و اصلاح خطاها شاید فاصله زیادی داریم ولی نباید با کلیشه و تکرارهای بیهوده درجا زد، باید محتواهایی ارائه کرد که در جای خود جذاب، سلحشوری و حب‌پرور باشد و نه شعاری، توهمی و بغض‌پرور! این سال‌ها پلیس سعی کرده محتواهایی ارائه شود که حقایق و واقعیت‌ها نمود داشته باشد اما موفق نبوده و شاید بتوان گفت در یکی دو سال اخیر کمی به سمت تحولات درست در حرکت است. سریال نوار زرد شاید آنچنان در بستر نقادی که عرض کردم گنجانده نشود، ولی حداقل از کلیشه‌گویی این سال‌ها به دور بوده! از سبک‌های فخیم‌زاده که مانند خیار گلخانه‌ای بوده تا به‌مزه‌ای آبکی، یا تمام آن کارهای پلیسی دهه ۶۰ و ۷۰! این سریال متفاوت‌تر از هر کاری است که تا به حال ساخته شده و سعی شده تصویری که در ذهن مردم از پلیس در رسانه‌ها ایجاد شده کمی محو شود.

ادبیات

نگاهی به کتاب «عشق در برابر عشق»

درباره عشق

فاطمه افتخاری: پیوند زدن باورهای دینی به داستان و استفاده از جذابیت‌های داستانی به گونه‌ای که بتواند مخاطب‌های گوناگون با گرایش‌های مختلف را جذب کند کار ساده‌ای نیست. «امید کوره‌چی» نویسنده کتاب «عشق در برابر عشق» توانسته با پیوند عمیق بین داستان و باورهای دینی، اثری جذاب را به مخاطب خود ارائه کند. کتاب «عشق در برابر عشق» روایت خیال‌گونه از دلدادگی پسری ایرانی به نام «هرمز» به دختری به نام «ربیعه» از طایفه «ثقیف» است که از شهرت و اعتبار بالایی برخوردار بوده‌اند. هرمز که از ثروت دنیا بهره چندانی دارد و یک عجم است، در راه وصال با مشکلاتی روبه‌رو است و در مقابل مردی از طایفه‌ای اسم و رسم‌دار نیز همزمان خواهان ربیعه است و داستان نیز با جدال این دو رقیب در میدان مسابقه تیراندازی آغاز می‌شود. هرمز یک برده ایرانی به اسم بهمن را که او را در بازار کوفه از خطری جدی نجات داده است با فروش کمان خود می‌خرد. این برده پیر که از دیوانیان قدیم حکومت ساسانیان بوده است، از قدرت و هوش بالایی برخوردار است و برای جمع‌آوری مبلغ مهریه تعیین شده برای ربیعه همراه با هرمز راهی ایران می‌شود.

در طول سفر هرمز نیز متوجه می‌شود بهمن عشق قدیمی به یکی از بانوان دربار سامانی را به سر دارد. بهمن که از دلدادگان به خاندان عترت است در طول همراهی با هرمز سعی می‌کند عشق او را به خاندان پیامبر با بیان نکاتی از زندگی آن بزرگواران جلب کند. پس از ماجراهای فراوان وقتی هرمز به کوفه می‌رسد در حالی که هیچ در بساط ندارد و تنهاست با نوه پیامبر، امام حسن مجتبی(ع) برخورد می‌کند و مجذوب رفتار و منش ایشان می‌شود. در پایان داستان او در انتخابی سخت قرار می‌گیرد که نقطه اوج این کتاب را هم می‌توان همین انتخاب دانست! نکته قابل توجه در این کتاب بخش‌های متعددی است که شاید از حجم بالایی برخوردار نباشد ولی در هر بخش گره‌های داستانی وجود دارد که باعث ایجاد جذابیت شده و مخاطب را با خود همراه می‌کند. نویسنده در آغاز کتاب در مقدمه‌ای کوتاه به بیان مرز خیال و واقعیت می‌پردازد و اشاره می‌کند هرچند شخصیتی مثل هرمز خیالی است و چنین شخصیت خیالی نمی‌تواند به دیدار امام حسن رفته باشد اما آنچه از فعل و قول از امام حسن(ع) و شخصیت‌های تاریخی توصیف می‌شود، همه دارای اسناد روایی معتبر تاریخی است که نویسنده منابع آن را به صورت پاورقی در انتهای کتاب ذکر کرده است؛ هر چند این پاورقی‌های متعدد و رجوع مخاطب در بین داستان به آخر کتاب شاید کمی باعث از ریتم افتادن خط روایی داستان شود. برخلاف آنچه در معرفی این اثر در منابع مختلف آمده است، «عشق در برابر عشق» بیش از آنکه با محوریت زندگی امام حسن مجتبی(ع) باشد، روایت دلدادگی ۲ ایرانی از ۲ نسل مختلف است که حال برای وصال تلاش می‌کنند. هر چند در پایان کتاب با حضور امام حسن مجتبی(ع) تحولی در زندگی شخصیت اصلی داستان ایجاد می‌شود اما در کتاب آن طور که شایسته است از تغییر اندیشه شخصیت اصلی داستان صحبت نمی‌شود. نویسنده این کتاب نتوانسته است بدون جهت‌گیری به نگارش کتاب بپردازد و از توصیفات و بیان خصوصیات اخلاقی در خلال کتاب این طور برداشت می‌شود که گویا مردم ایران همه مردمانی نیک هستند و در مقابل اعراب، مردمانی بی‌بند و بار، خشن، قوم‌گرا و دارای تعصب‌های بیجا و بشدت عجم‌ستیز هستند و تنها این امامان معصوم هستند در بین اعراب که از فضایل اخلاقی برخوردارند. متن زیر بخشی از کتاب است که به بیان یکی از فضایل کریم اهل بیت حضرت مجتبی(ع) می‌پردازد: «مرد ایستاد جلوی برده‌فروش، خضوع خاصی برده‌فروش را فراگرفت، نیمچه تعظیمی کرد. زن بی‌هوا چشم از خیرگی به افق برداشت و گل پلاسیده‌اش را به سمت مرد گرفت. مرد به آرامی گل را گرفت و بعد سکه‌ای به برده فروش داد. به زن اشاره‌ای کرد و گفت: تو در راه خدا آزادی...».

رونمایی از تابلوی «عرش بر زمین» اثر استاد فرشچیان

مراسم رونمایی از اثر اهدایی تابلوی «عرش بر زمین یا گودی قتلگاه» اثر محمود فرشچیان، پیشکسوت برجسته نگارگری و قرآن حکاکی شده روی ۱۱۴ سنگ از داوود زمانی‌آذر، در موزه قرآن آستان قدس رضوی برگزار شد. به گزارش ایکنا، محمدهادی زاهدی، رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی با بیان اینکه آثار اهدایی محمود فرشچیان به موزه آستان قدس، بدون حضور ایشان اهدا شده است، اظهار کرد: اثر «عرش بر زمین یا گودی قتلگاه»، دل‌نگاشته فرشچیان است که حدود یک سال روی آن زحمت کشیده‌اند. در ادامه پیام محمود فرشچیان، پیشکسوت برجسته نگارگری قرائت شد: برای این حقیر نهایت افتخار است که ۱۷ اثر مذهبی و هنری و یک تابلو به نام «خمسه طیبه» که یادگار پدرم بود را به آستان مقدس امام رضا(ع) وقف شرعی کنم». در ادامه، حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی بیان کرد: برای هر بیننده‌ای اعجاب‌برانگیز است که چگونه شخصی می‌تواند چنین اثر فوق‌العاده‌ای را ایجاد کند. این دو اثر وجه مشترکشان قلم است و هر قلمی مورد ستایش قرآن کریم نیست بلکه قلمی که مستور توحیدی باشد، مورد توجه خداوند قرار می‌گیرد. حجت‌الاسلام رئیسی با بیان اینکه اثر همراه با ابتذال که امروز به عنوان هنر از آن یاد می‌شود، هنر نیست، ابراز کرد: آنچه در فرهنگ و تمدن ما دیده می‌شود، هنری همراه با حکمت و مدنیت است. هنر در تاریخ فرهنگ اسلامی ما، تمدن‌ساز و هویت‌ساز است لذا می‌توان هویت یک جامعه را برای آنکه در تاریخ و تطور زمان گم نشود، در آثار هنری که فرهنگ ایجاد می‌کند مشاهده کرد.

تلویزیون و نظارتی که نیست!

حضور ۲ کودک خردسال که از جمله چهره‌های مشهور شده به‌واسطه شبکه‌های اجتماعی بودند در برنامه «فرمول یک» شبکه اول سیما و طرح موضوعاتی مانند ازدواج این کودکان در این برنامه که در آنتن زنده رسانه ملی پخش می‌شد، موضوعی بود که مورد اعتراض برخی اهالی رسانه و تلویزیون قرار گرفت. به گزارش «وطن‌امروز»، المیرا شریفی‌مقدم، مجری شبکه خبر صداوسیما در اعتراض به این اتفاق در صفحه شخصی خود نوشت: «آیا بتازگی سوژه‌ها کم شدند؟ کار این بدل‌ها دقیقا چیه؟ بچه‌مدرسه‌ای‌های اینستا چی می‌گن؟ چرا اینستا رو ریختید تو تلویزیون؟!» همچنین امیرمحمد زند از جمله بازیگران سینما و تلویزیون نیز در واکنش به این اتفاقات خطاب به علی ضیاء، مجری این برنامه نوشت: «چرا با بچه‌هایی که به اقتضای سن و به‌خاطر فیزیک‌شان بامزه‌اند این کار را می‌کنید؟ می‌دانید چه خیانتی به این بچه‌ها می‌کنید؟ این شهرت هیچ آینده‌ای ندارد.» البته برخی از رسانه‌ها نیز نسبت به این موضوع اعتراض کردند ولی نکته جالب ماجرا سکوت مدیران تلویزیون در قبال این موضوع است. سکوتی که باعث شده بتازگی کلیپی از یکی از همین کودکان منتشر شود که با ادبیاتی عجیب نسبت به یکی از منتقدان حضور او در تلویزیون صحبت می‌کند. باید منتظر بود و دید که با توجه به این انتقادات، سیاست مدیران رسانه ملی در قبال حضور این ستاره‌های فضای مجازی در تلویزیون چه خواهد بود.

رویداد

وزیر ۹ ماهه ارشاد، معاون شهردار شد

مجتبی عبداللهی از معاونت اجتماعی شهرداری تهران رفت و سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی جایگزین وی در معاونت فرهنگی شهرداری تهران شد. به گزارش «وطن امروز»، در شرایطی که چندی پیش و پس از عملکرد بشدت ضعیف سیدرضا صالحی‌امیری در دوره ۹ ماهه حضورش در مسند وزارت ارشاد، حسن روحانی مدیریت این وزارتخانه را به سیدعباس صالحی معاون او سپرده بود، بتازگی محمدعلی نجفی، شهردار تهران در حکمی او را به عنوان معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران انتخاب کرد. این انتصاب در حالی صورت می‌گیرد که صالحی نه تنها در دوره حضور در وزارت ارشاد عملکرد موفقی نداشت و مدیریت ضعیف او و همکارانش سبب برگزاری یکی از پرحاشیه‌ترین دوره‌های جشنواره فیلم فجر شد، بلکه او در دوره حضور در مدیریت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نیز عملکرد پرحاشیه‌ای داشت که مورد انتقاد هر دو جناح سیاسی کشور قرار گرفت. به نظر می‌رسد با توجه به این حواشی و البته سوابق امنیتی صالحی که بارها مورد اعتراض اهالی فرهنگ قرار گرفته بود، تنها دلیل این انتصاب را باید در سابقه دوستی دیرینه او با نجفی، شهردار فعلی تهران جست‌وجو کرد.

تلویزیون

جشن بزرگ فرهنگی شبکه ۴ ویژه کتابخوانی

شبکه ۴ سیما با ویژه‌برنامه «برگ ۲۴» روز کتاب و کتابخوانی را جشن می‌گیرد. به گزارش روابط عمومی شبکه ۴ سیما، محمد رحیمی، تهیه‌کننده ویژه‌برنامه «برگ ۲۴» درباره این برنامه گفت: شبکه ۴ سیما همزمان با ۲۴آبان روز کتاب و کتابخوانی، جشن بزرگی برای اهالی کتاب برگزار می‌کند که نخستین جشن ملی رسانه‌ای در حوزه کتاب به حساب می‌آید. مارال دوستی، شاهین شرافتی، سعید بیابانکی و رشید کاکاوند اجرای این ویژه‌برنامه ۱۲ ساعته را که از ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه تا ساعت ۲۲ از «موزه و کتابخانه ملک» پخش می‌شود بر عهده دارند. ویژه‌برنامه زنده «برگ ۲۴» از بخش‌های مختلفی همچون کتاب و کتابخوانی، کودک و نوجوان، خانواده‌های کتابی، فضای مجازی کتابی، راویان دفاع‌مقدس، مروجان کتاب در ۳ حوزه ترجمه، دین و بین‌الملل تشکیل شده که در هر کدام از این قسمت‌ها از میهمانان مرتبط با موضوع دعوت به عمل می‌آید. رحیمی تصریح کرد: همچنین راه‌اندازی کمپینی برای حمایت از چاپ و ترویج کتاب برای نابینایان از جمله بخش‌های اصلی برنامه است که با همکاری انجمن نابینایان کشور و خانه کتاب تلاش می‌کنیم در این بخش حمایت‌های مالی بیشتری از ناشران و نویسندگان فعال در این حوزه صورت پذیرد. وی افزود: «برگ ۲۴» کاری از گروه فرهنگ و اندیشه شبکه ۴ سیما است و در ساخت این برنامه ۲ نفر از تهیه‌کنندگان و کارگردانان باسابقه سیما در حوزه کتاب آقایان محمود فاتحی و حسین پورصلعی من را یاری می‌کنند.

تئاتر

مجوز ۴۲ اجرای صحنه‌ای صادر شد

شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی برای اطلاع‌رسانی درباره برنامه‌های آینده تالارهای نمایشی تهران فهرست نمایش‌هایی که در هفته گذشته موفق به دریافت مجوز اجرا شده‌اند را اعلام کرد. به گزارش فارس، شورای ارزشیابی و نظارت در هفته گذشته مجوز اجرای ۱۹ نمایش حرفه‌ای، ۵ نمایش کودک، ۷ اجرای نمایشنامه‌خوانی، یک پرفورمنس، یک نمایش کمدی و ۹ اجرای سرگرمی را برای ماه‌های آبان و آذر صادر کرد. در بخش نمایش حرفه‌ای، مرتضی جلیل‌دوست نمایش «مجلس مختلف‌خوانی» را به تالار مولوی می‌آورد و سروش کریمی و بابک کیوانی نمایش «سرتاسر» که اثری فیزیکال و عاشورایی است را در خانه نمایش دا روی صحنه می‌برند. نمایش «مادر ایکاروس» به کارگردانی رضا عباسی در تالار مشایخی و «من» اثر فرهاد تجویدی در تماشاخانه شانتو اجرای خود را آغاز کرده‌اند. ۵ نمایش کودک نیز در فهرست برنامه‌های اجرای سالن‌های فرهنگسراهای تهران قرار گرفته است. سالن‌های شهرزاد، گندم، ارغنون، فرهنگسرای نیاوران و مجموعه فرهنگی و هنری آزادی نیز نمایشنامه‌های گل شمعدانی، روز واقعه، جمجمه‌ای در کافه مارا، عشق‌آباد، صفر مرکزی، آرش و مرگ فروشنده را در برنامه نمایشنامه‌خوانی خود قرار داده‌اند.